

# تورات

درس  
اول

مقدمه‌ای بر تورات



THIRD MILLENNIUM  
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2021 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

### ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel<sup>®</sup>. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: تورات (درس شماره ۱: مقدمه‌ای بر تورات)

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

## فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) رویکردهای انتقادی امروزی

پیش‌فرض‌ها

طبیعت‌گرایی

بسط تاریخی

نگارش

نام‌های الهی

روایات تکراری

تناقضات

راهکارهای تفسیری

نقد منبع

نقد قالب

نقد سنت

نقد ویرایش

نقد معاصر

(۳) رویکردهای امروزی اوانجلیکال

پیش‌فرض‌ها

ماوراءالطبیعه

بسط تاریخی

نگارش

شواهد کتاب‌مقدسی

نگارش اساسی موسایی

راهکارهای تفسیری

موضوعی

تاریخی

ادبی

(۴) نتیجه‌گیری



## مقدمه‌ای بر تورات

### مقدمه

آیا تا به حال فکر کرده‌اید که اگر کتاب مقدس را نداشتیم، ایمان مسیحی چقدر متفاوت می‌شد؟ راهبران، دستورات عمل‌ها را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کردند، اما راهی برای سنجش افکار آنها و معیاری که با آن بتوانیم بین نظرات گوناگون قضاوت کنیم، وجود نمی‌داشت.

برای بسیاری از اسرائیلیان در زمان موسی، باید اینگونه بوده باشد. اجداد آنان روایات تاریخ اولیه و پاتریارک‌ها را به آنها منتقل کرده بودند. آنها داستان اینکه چطور خدا آنان را از مصر نجات داد، شریعت را به آنها بخشید، و به سوی سرزمین وعده هدایت‌شان کرد را تعریف می‌کردند. اما درباره نحوه برخورد خدا با شرایط فعلی اسرائیل و آینده، چه باوری باید می‌داشتند؟ بین نظرات مختلف درباره این مسائل چطور باید قضاوت می‌کردند؟ خدا به این پرسش‌ها با بخشش پنج کتاب اول کتاب مقدس به آنها، به عنوان معیار ایمان‌شان پاسخ داد؛ کتاب‌هایی که ما اکنون تورات می‌خوانیم.

این اولین درس از مجموعه دروس «تورات» است و آن را «مقدمه‌ای بر تورات» نامگذاری کرده‌ایم. در این درس نشان خواهیم داد که چطور کتاب‌های پیدایش تا تثبیه در کتاب مقدس، به عنوان معیاری برای ایمان اسرائیل عمل کردند.

مقدمه ما بر تورات به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود. نخست، رویکردهای انتقادی امروزی به این بخش از کتاب مقدس را توضیح خواهیم داد. این رویکردها، نماینده دیدگاه‌های مفسرانی است که اقتدار کامل کلام خدا را انکار می‌کنند. دوم، به کاوشی در دیدگاه‌های امروزی اوانجلیکال خواهیم پرداخت؛ یعنی دیدگاه‌های آن دسته از محققان کتاب مقدس که اقتدار کامل کتاب مقدس به عنوان کلام الهام‌شده خدا را تایید می‌کنند. بیایید نخست به رویکردهای انتقادی امروزی به تورات نگاه کنیم.

### رویکردهای انتقادی امروزی

با اینکه درس ما در مسیری متفاوت پیش خواهد رفت، مهم است درک کنیم که اغلب محققان امروزی کتاب مقدس — اگر نه همه — الهام الاهی و اقتدار تورات را نفی کرده‌اند. آنها همچنین دیدگاه سنتی یهودی و مسیحی که تورات از زمان موسی، قانونگذار بزرگ اسرائیل، می‌آید را انکار می‌کنند. بسیاری از مفسران، معلمان، شبانان و حتی افراد عادی بر این دیدگاه‌ها صحنه گذاشته‌اند که برای دانشجویان جدی کتاب مقدس تقریباً غیرممکن

است که آنها را نادیده بگیرند. و به همین دلیل، بسیار مهم است که درکی از نحوه برخورد محققان منتقد با این بخش از کتاب مقدس داشته باشیم.

در ۱۵۰ تا ۲۰۰ سال گذشته، محققان منتقد توجه زیادی را صرف مطالعه تورات کرده‌اند. و اگرچه شاید ما اوانجلیکال‌ها با بسیاری از آن رویکردها مخالف باشیم، برایمان ضروری است که بدانیم بسیاری از محققان عهد عتیق در چه موضعی هستند تا بتوانیم درست به القائات آنها پاسخ بدهیم. ما نباید صرفاً مطالعه کتاب مقدس مان را در یک خلأ انجام بدهیم و به آنچه در اطراف مان می‌گذرد بی‌توجه باشیم. ما باید رویکردهای مان را با توجه به آنچه در جای دیگر گفته می‌شود، بیان کنیم.

- دکتر جان اُزوالت

برای درک رویکردهای انتقادی به تورات، به سه موضوع نگاه خواهیم کرد: نخست، برخی پیش‌فرض‌های مهم که بر دیدگاه‌های انتقادی تاثیر گذاشتند؛ دوم، چشم‌اندازهای انتقادی درباره تالیف تورات؛ و سوم، تعدادی از راهبردهای تفسیری مهم که محققان منتقد دنبال کرده‌اند. ابتدا بعضی از پیش‌فرض‌هایی را در نظر می‌گیریم که بر این رویکردها تاثیر گذاشتند.

### پیش‌فرض‌ها

به طور عمده، دیدگاه‌های انتقادی امروزی در مورد این بخش از کتاب مقدس، مستقیماً از جریان‌های فکری روشنگری قرون هفدهم و هجدهم در اروپای غربی سرچشمه گرفته‌اند. در راستای اهداف این درس، بر دو پیش‌فرض مهم متمرکز خواهیم شد که از دوره روشنگری سرچشمه گرفتند. هر دوی این پیش‌فرض‌ها عمیقاً بر تفاسیر انتقادی از تورات تاثیر گذاشتند. ابتدا مفهوم طبیعت‌گرایی را در نظر می‌گیریم. و دوم، به پیش‌فرض‌هایی درباره بسط تاریخی ایمان اسرائیل نگاه خواهیم کرد. بیایید با طبیعت‌گرایی شروع کنیم.

### طبیعت‌گرایی

به طور خلاصه، طبیعت‌گرایی عصر روشنگری یک باور غالب علمی بود که اگر واقعیات روحانی اصلاً وجود داشته باشند، هیچ تاثیر قابل تشخیصی در دنیای مرئی ندارند. و به همین دلیل، جایی در تحقیقات علمی و آکادمیک ندارند. در نیمه دوم قرن نوزدهم، طبیعت‌گرایی بر تمام زمینه‌های علمی غرب، از جمله مطالعات در ایمان مسیحی، تسلط داشت. یکی از تاثیرات عمده طبیعت‌گرایی بر مطالعات کتاب مقدسی این بود که دانشمندانی مهم و محترم،

اعتقاد دیرینه یهودی و مسیحی درباره الهامی بودن تورات را انکار کردند. و به همین دلیل، به طور عمومی نحوه برخورد اکثر آنها با تورات، مانند نحوه برخوردشان با نوشتجات مذهبی فرهنگ‌های باستان بود. در این دیدگاه، تورات شامل تمام انواع خطاها، تضادها، و حتی ارائه نادرست عمدی تاریخ و الاهیات غلط، مانند همه دیگر نوشتجات صرفاً انسانی بود.

جالب توجه است که همان پیش‌فرض‌هایی که منجر به طبیعت‌گرایی شد و به دانشمندان مدرن اجازه داد تا الهام و اقتدار تورات را انکار کنند، همچنین باعث دیدگاه‌های خاصی درباره بسط تاریخی ایمان اسرائیل شدند.

### بسط تاریخی

در اوایل قرن نوزدهم، طبیعت‌گرایی منجر به چیزی شد که می‌توانیم آن را «تاریخ‌گرایی طبیعی» (naturalistic historicism) بنامیم. این باوری بود که بیان می‌کرد بهترین راه برای درک هر موضوعی این است که متوجه بشویم آن چیز چگونه در طی زمان و از طریق علل طبیعی، بسط پیدا کرده است. زیست‌شناسان قرن نوزدهم خود را وقف توضیح مسئله چگونگی پیدایی و تکامل حیات روی زمین در طی هزاره‌ها کردند. زبان‌شناسان به ردیابی تحولات تاریخی زبان‌های بشری پرداختند. باستان‌شناسان، زمینه‌های باستانی و پیشرفت جوامع بشری را بازسازی کردند. و محققان مسائل مذهبی، اولویت مشابهی به توصیف سیر تکامل طبیعی و تاریخی ادیان جهان دادند.

به طور کلی، دانشمندان اولیه مدرن غربی، سیر تکامل ادیان جهان را بازسازی کردند تا با درک آنها از تحولات جامعه بشری همسو شوند. برای نمونه، به طور عمومی چنین فرض می‌شد که مردم زمان باستان نخست جوامع قبیله‌ای ابتدایی‌ای شکل دادند که زنده‌انگاری (animism) را به جا می‌آوردند؛ یعنی اعتقاد به این موضوع که اشیا در طبیعت، دارای روحی هستند که با آنها مرتبط است. در گذر زمان، جوامع قبیله‌ای ابتدایی قلمروهای بزرگتری تشکیل دادند که به چندخدایی (polytheism) باور داشتند؛ یعنی اعتقاد به خدایان بسیار. وقتی قلمروهای مختلف، دولت‌های واحدی شکل دادند، مذهب از چندخدایی به طرف یک‌ازچندپرستی (henotheism) پیش رفت؛ یعنی باور به اینکه یک خدا از مابقی خدایان بزرگتر بود. در نهایت، با شکل‌گیری پادشاهی‌ها و امپراتوری‌های بزرگ، حاکمان و کاهنان قدرتمند اغلب ملت‌های خود را از یک‌ازچندپرستی به سوی یکتاپرستی (monotheism) سوق دادند؛ که یعنی اعتقاد به یک خدا. و در این دیدگاه تاریخی طبیعی، تنها در این مرحله بسیار پیشرفته بود که تدوین یا نگارش قواعد دینی شروع شد. پیش از آن زمان، مذهب تنها از طریق سنن شفاهی یا آیینی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شد.

حال باید توجه داشته باشیم که بعداً در قرن بیستم، مردم‌شناسان تا حد زیادی این ایده را که ادیان چنین ساده تکامل یافته باشند، بی‌اعتبار کردند. اما این دیدگاه‌ها عمیقاً بر نحوه برخورد محققان کتاب‌مقدسی با تورات در ابتدای دوران تاریخ مدرن تأثیر گذاشت؛ و حتی امروزه نیز بر دانش کتاب‌مقدسی تأثیر می‌گذارند.

آنچه ما «دانش انتقادی» می‌نامیم، غالباً فرض می‌کند که عهد عتیق انعکاس‌دهنده یک بسط اعتقادی از شکل ابتدایی و کمتر پیچیده مذهب به شکلی جامع‌تر و پیچیده‌تر از مذهب است که دومی، بهتر از اولی هست. چند نکته درباره این موضوع وجود دارد که می‌توانیم بگوییم. یک نکته، اگر بخواهیم به شکل مثبت صحبت کنیم، این است که می‌توانیم بگوییم روندی در چگونگی اینکه خدا خودش را آشکار می‌کند، وجود دارد. کتاب‌مقدس این را نشان می‌دهد، چیزی که ما آن را «رشد طبیعی» می‌نامیم و جایی است که آموزه‌ها و مضامین و افکار درباره خدا از یک دانه به سمت شکل‌گیری کامل رشد می‌کنند، و بنابراین حتی کتاب‌مقدس درباره پیام پیش‌رونده خودش صحبت می‌کند. و بنابراین، بله، یک شکلی از پیشرفت درون کتاب‌مقدس و درون تورات وجود دارد. این یک حرکت از آغاز مکاشفه خدا به شکوفایی کامل هست، اگر بخواهیم اینطور بگوییم، اگر بتوانید یک تصویر از شکوفایی یک گل در مرور زمان را تصور کنید. اما اگر به طور منفی صحبت کنیم، محققان منتقد عموماً یک دیدگاه تکاملی یا پیش‌رونده از تاریخ بشر دارند که فرض می‌کنند ناگزیر از پیشرفت است... حالا، همه آنچه که باید انجام بدهیم این است که به دنیای اطرافمان نگاهی بیندازیم تا ببینیم که ناگزیری پیشرفت یک افسانه بزرگ است. بله، ما پیشرفت می‌کنیم، اما همینطور که پیشرفت می‌کنیم، متحول هم می‌شویم. بنابراین، چیزی درباره غرور مدرن وجود دارد که به چیزی قدیمی‌تر با دیده حقارت نگاه می‌کند، در حالی که در واقع، این فرض فلسفی است و نه چیزی که در درون خود کتاب‌مقدس پیدا شود.

– کشیش مایکل گلودو

دیدگاه‌های مدرن اولیه به ادیان جهانی، به روشنی متفاوت از روشی است که کتاب‌مقدس از بسط ایمان اسرائیل به تصویر می‌کشد. تورات، ایمان اسرائیل را به طور مداوم یکتاپرستانه نشان می‌دهد. از آدم و حوا، تا نوح، پاتریارک‌ها، سران اسباط اسرائیل، همه این وفاداران تنها یک خدای حقیقی را به عنوان آفریننده همه پرستش کردند. و تا آنجایی که ما از طریق کتاب پیدایش می‌دانیم، در این مراحل اولیه، این ایمان حقیقی و یکتاپرستانه از مسیر سنت‌های شفاهی و آیینی از نسلی به نسل دیگر منتقل شد.

بعد، بر اساس تورات، یک گذار قطعی در روزگار موسی اتفاق افتاد. در این زمان، تدوین قواعد ایمان اسرائیل آغاز شد. موسی نخست با نگارش شریعت در کتاب عهدها و سپس ده فرمان، و همانطور که بعداً خواهیم دید با



تالیف مابقی تورات برای راهنمایی ایمان اسرائیل، آنها را برای تبدیل شدن به یک ملت آماده کرد. بنابراین، طبق کتاب مقدس، ایمان اسرائیل مدت‌ها پیش از آنکه پادشاه و معبدی داشته باشند، به نوشتجات مقدس معطوف بود. به همان اندازه که این گزارش مشهور کتاب مقدسی ساده و بی‌پرده است، نقد مدرن این خط زمانی را به دلیل پیش‌فرض‌های تاریخ‌گرایی طبیعی، غیرممکن می‌داند. محققان منتقد امروزی، ساختار تصویر کتاب مقدسی ایمان اسرائیل را شکسته‌اند. و سپس آن را به نحوی بازسازی کرده‌اند که با اندیشه‌های مدرن در مورد چگونگی تکامل تمام ادیان بدوی مطابقت داشته باشد. در این دیدگاه، اجداد ماقبل تاریخ اسرائیل زنده‌انگاری قبیله‌ای را پذیرفتند. سپس، وقتی قبایل آنها به هم پیوستند و قلمروی مشترک تشکیل دادند، پاتریارک‌های اسرائیل به سمت چندخدایی حرکت کردند. در این دیدگاه، اگر موسایی وجود داشته که اسرائیل را به خارج از مصر هدایت کرد، اسرائیلیان تحت هدایت او تنها کمی بیش از قبایل متحدی بودند که یک‌ازچندپرستی، مشخصه آنها بود. و بر خلاف کتاب مقدس، مفسران منتقد باور دارند که در این مرحله از توسعه اجتماعی غیرممکن بوده است که کسی معیارهای ایمان اسرائیل را به نگارش در آورده باشد. چنین معیارهای مکتوبی فقط می‌توانست در زمان سلطنت اولیه اسرائیل، زمانی که پادشاهان و کاهنان اسرائیل سعی در ترتیب دادن ایمان اسرائیل داشتند، پدیدار شود. بنابراین، بر اساس نظر محققان منتقد، از زمان پادشاهی بود که مذهب اسرائیل به طور فزاینده تبدیل به یک مذهب کتاب‌محور شد. حال که به پیش‌فرض‌ها در رویکردهای انتقادی مدرن در مورد کتاب مقدس و بسط تاریخی ایمان اسرائیل پرداختیم، می‌باید به موضوع دوم پردازیم که بسیار مرتبط است. این دیدگاه‌ها چه تاثیری بر رویکردهای اساسی درباره نگارش تورات گذاشته‌اند؟

### نگارش

همانطور که دیدیم، مفسران منتقد عقیده دارند که تدوین ایمان اسرائیل تنها در زمان پادشاهی اسرائیل آغاز شد. و البته، این پیش‌فرض به معنای آن است که موسی هیچ دخالتی در نگارش تورات نداشته است. بلکه این کتاب‌ها، نتیجه یک روند طولانی و پیچیده است که با سنت‌های شفاهی باستانی شروع، و در دوره پادشاهی در اسناد مختلف جمع شد. و تنها در زمان تبعید اسرائیل و پس از آن بود که این اسناد ویرایش شدند و در تورات به شکلی که ما اکنون آن را می‌شناسیم، گرد آمدند. حال، وقتی دانشجویان کتاب مقدس برای اولین بار می‌شنوند که بسیاری از محققین به چنین تاریخ طولانی از سیر تکامل تورات باور دارند، تقریباً همیشه با خود می‌اندیشند که چه شواهدی از این تفکر پشتیبانی می‌کند.

ما با جمع‌بندی سه مورد از شواهد اصلی ارائه شده توسط محققان منتقد، به این رویکرد درباره تالیف تورات می‌پردازیم. با تعبیر نام‌های الهی که در تورات یافت می‌شود، شروع می‌کنیم.

## نام‌های الهی

مفسرین منتقد ابتدایی، به این نکته دقت کردند که تورات نام‌های گوناگونی برای خدا دارد، و چنین استدلال کردند که این تغییرات شاهدهی بر سیر طولانی تکامل ایمان اسرائیل بودند. برای نمونه، گاهی تورات صرفاً از اصطلاح عبری الوهیم (אֱלֹהִים) یا «خدا» (God) استفاده می‌کند. در زمان‌های دیگر، خدا «یهوه» (יהוה) یا «خداوند» (the Lord) خوانده شده است. تورات این اصطلاحات را با یکدیگر و همچنین با اصطلاحات دیگر ترکیب می‌کند، مانند «یهوه الوهیم» یا «خداوند خدا»، و «یهوه یرا» یا «خداوند فراهم می‌کند». خدا همچنین «إِلِیون» یا «خدای متعالی» خوانده شده و «إِلِ شِدای» غالباً «خدای قادر مطلق» ترجمه شده است.

اکنون، مهم است دقت کنیم که اگرچه تورات طیف متنوعی از نام‌های خدا را انعکاس می‌دهد، اما این غیر معمول نبوده است. تحقیقات قرن بیستم در مورد اسامی الهی سایر ادیان خاور نزدیک نشان می‌دهد که همچنین نویسندگان واحد، از اسامی مختلفی برای خدایان خود استفاده می‌کردند. با اینحال، هنوز هم محققان منتقد ابتدایی عقیده داشتند که تغییر نام‌های خدا در تورات، نشان‌دهنده تاریخ طولانی شکل‌گیری آن بود. آنها باور داشتند که نام‌های مختلف برای خدا نشان می‌دهد که منبعی به منبع دیگر اضافه، و در نهایت منجر به تورات شده است.

وقتی عهد عتیق را می‌خوانید، خیلی طول نمی‌کشد که متوجه بشوید در آنجا نام‌های مختلفی برای خدا وجود دارد. در پیدایش باب ۱ نام خدا الوهیم است. در باب ۲ پیدایش، شما به یک‌باره نام یهوه را دارید. رویکردهای انتقادی این را بسیار متفاوت از یک فرد اوانجلیکال درک می‌کنند. یک محقق منتقد می‌گوید این از منابع مختلف آمده است... به عنوان اوانجلیکال‌ها، من فکر می‌کنم باید یک قدم عقب برویم و به تصویر بزرگتر نگاه کنیم. خدا، الوهیم است، و او یهوه است. الوهیم خدای قادر مطلق است، آن یگانه‌ای که در سراسر دنیا حضور دارد، خالق، کسی که تمام ملت‌های دنیا به عنوان قدرت برتر می‌شناسند، آن شخص غایی. اما در رابطه عهدی با قوم اسرائیل، او خود را در نامی بسیار شخصی آشکار می‌کند، یهوه. او «من هستم» است که متعلق به قومش و در کنار آنهاست. و این یک نام عهدی است چون اسرائیل قوم برگزیده خدا هستند.

- دکتر دیوید تالی

علاوه بر تغییر در نام‌های الهی، بسیاری از محققین منتقد، با جلب توجه به آنچه «روایات تکراری» می‌خوانند، از دیدگاه‌های خود درباره تالیف تورات پشتیبانی می‌کنند.

## روایات تکراری

دشوار نیست که ببینیم بسیاری از متون تورات به یکدیگر شباهت دارند. اما مفسرین منتقد استدلال می‌کنند که این متون بازتاب سنت‌های شفاهی مختلف در میان گروه‌های مختلفی از مردم و فرایندهایی هستند که از طریق آنها این گزارشات در تورات به نگارش درآمده‌اند.

برای مثال، مفسران معمولاً به چیزی اشاره کرده‌اند که آنها «دو روایت پیدایش» در پیدایش ۱: ۱-۲: ۳ و پیدایش ۲: ۴-۲۵ می‌خوانند. آنها همچنین به شباهت‌ها بین روایات ابراهیم و اسحاق در پیدایش ۱۲: ۱۰-۲۰؛ ۱۸-۱ و ۲۶: ۷-۱۱ اشاره می‌کنند که آنها دربارهٔ همسران‌شان دروغ گفتند و آنان را در خطر انداختند. مفسران سنتی یهودی و مسیحی، هر دو، این شباهت‌ها را به شکلی منطقی توضیح داده‌اند. اما محققان منتقد عقیده دارند که این روایات بیان‌گر سنت‌های شفاهی مختلفی هستند که به نگارش درآمده‌اند و بعداً وارد تورات شده‌اند. در جایگاه سوم، آنها به چیزی اشاره می‌کنند که آن را به عنوان تناقضات در تورات در نظر می‌گیرند، و ادعا می‌کنند که این به اصطلاح تناقضات، پشتیبان بازسازی پیچیدهٔ آنها از این بخش از تالیف کتاب مقدس است.

### تناقضات

برای مثال، آنها معمولاً به تفاوت بین مقررات فصیح در خروج ۱۲: ۱-۲۰ و تثبیه ۱۶: ۱-۸ دقت کرده‌اند. و به تفاوت‌های ده فرمان بین خروج ۲۰: ۱-۱۷ و تثبیه ۵: ۶-۲۱ اشاره می‌کنند. یک بار دیگر، مفسرین سنتی یهودی و مسیحی نشان داده‌اند که چطور اینها و سایر تفاوت‌ها با هم سازگار هستند. اما مفسرین منتقد آنها را به عنوان بازتابی از یک تاریخ طولانی و پیچیده از سنت‌های شفاهی و منابع مکتوب می‌بینند که با هم در تورات به شکلی که ما امروزه آن را در دست داریم، در هم تنیده شده‌اند.

وقتی شما کتاب مقدس و به طور خاص تورات را می‌خوانید، با انواع زیادی از ادبیات روبرو می‌شوید. و گاهی وقتی آن را می‌خوانید، چیزهایی می‌خوانید مانند، برای مثال، وقتی کتاب پیدایش شروع می‌شود، شما پیدایش ۱: ۱-۲: ۳ را دارید... ما تصویری از خدا داریم که طی هفت روز، یک نظم خاص می‌آفریند. خدا با کلام خود خلق می‌کند و این یک بیانیهٔ قدرتمند دربارهٔ توانمندی خداست، خدایی که خالق است، خدایی که انسان را به شباهت خود می‌آفریند. و بعد بلافاصله در فصل بعدی، ۲: ۴-۲۵، ما داستان دیگری از آفرینش داریم، که به نوعی یکی پس از دیگری هستند. وقتی به آن نگاه می‌کنید، بعضی از افراد تناقضاتی می‌بینند چون حالا می‌بینیم که خدا، خداوند خدا خوانده می‌شود. به جای اینکه آن خدایی باشد که صرفاً با کلام خود چیزها را به وجود می‌آورد، ما خدایی داریم که در حقیقت پایین می‌آید؛ او انسان‌ها را می‌آفریند. متن می‌گوید که او انسانی را از گل خلق می‌کند، اولین انسان. و بعد، او اولین زن را از وجود مرد بیرون می‌کشد. بنابراین، شما می‌بینید که خدا به جای آنکه آن خدای خالق نامرئی باشد، خدا به اصطلاح انسانی پایین آمده است و به نوعی، چیزها را با دست خود می‌سازد... اما با داشتن آن داستان دیگر،

که نهایتاً مکمل است و نه متناقض... و دوباره، باید همیشه به یاد داشته باشیم که اگر واقعا تناقضاتی وجود دارد، آیا واقعا فکر می‌کنیم که مردمان باستان این تناقضات را ندیدند؟ منظورم این است که، این یک تکه کلیدی است. آنها افراد احمقی نیستند. یک زمان متفاوت است، یک فرهنگ متفاوت، اما آنها هنوز هم مغز دارند و در حکمت خودشان، این چیزها را کنار هم نگه می‌دارند. و بنابراین، مانند داستان دوم یک خدایی به ما می‌دهد که بیشتر به طور مستقیم دخیل است. ما این را در الاهیات، خدایی می‌خوانیم که همه‌جا حاضر است، خدایی که وارد خلقت می‌شود... و فکر می‌کنم روش وفادارانه مطالعه کتاب مقدس این است که آن را با شبهه نخوانیم، بلکه آن را با نیت نهایی درک آن بخوانیم. می‌دانید، شاید من سوالاتی داشته باشم، اما به دنبال ایمان، می‌خواهم درک کنم، و نهایتاً من باور دارم آنچه در کتاب مقدس نوشته شده، چیزی است که خدا می‌خواهد در کتاب مقدس باشد و وظیفه من به عنوان خواننده این است که آن را بخصوص در قسمت‌هایی که ممکن است خوشایندم نباشد، با دقت بخوانم، سعی کنم با قرار دادن این دو چیز متفاوت در کنار همدیگر، ببینم خدا واقعا می‌خواهد چه چیزی بگوید. اما باید از این بابت سپاسگزار باشیم، چون در زمان‌های مختلف، در مکان‌های مختلف، ممکن است این دو نوع تصویر متفاوت در یک زمان معنادارتر از زمان دیگر صحبت کنند.

- دکتر برایان راسل

حال که از منظر پیش‌فرض‌ها و دیدگاه‌های تالیفی به رویکردهای انتقادی امروزی پرداختیم، می‌توانیم برخی از راهکارهای تفسیری عمده‌ای را در نظر بگیریم که محققان منتقد در پردازش به تورات دنبال کرده‌اند.

### راهکارهای تفسیری

راه‌های بسیاری برای جمع‌بندی این موارد وجود دارد، اما ما به پنج راهکار تفسیری اصلی محققان منتقد امروزی خواهیم پرداخت. ما این راهکارها را به ترتیب شکل‌گیری آنها در نظر خواهیم گرفت و با نقد منبع آغاز می‌کنیم.

### نقد منبع

نقد منبع، یا آنگونه که در ابتدا نامیده می‌شد، «نقد ادبی»، از اثر کی. اچ. گراف (K. H. Graf) به نام کتب تاریخی عهد عتیق (The Historical Books of the Old Testament) سرچشمه می‌گیرد که در سال ۱۸۶۶ منتشر شد. سپس توسط مفسری مشهورتر، ژولیوس ولهاوزن (Julius Wellhausen) در اثرش به نام «پیش‌گفتاری بر تاریخ اسرائیل» (Prolegomena to the History of Israel) مورد پالایش قرار گرفت که در سال ۱۸۸۳ منتشر شد.

منتقدین منبع باور داشتند که تورات، درست مانند همهٔ دیگر نوشتجات مذهبی باستان، برآمده از سنت‌های شفاهی بود. اما آنها توجه خود را به شناسایی و تفسیر بخش‌هایی از تورات متمرکز کردند که به اعتقاد آنها از منابع مکتوب مستقلی آمده بود که در دورهٔ پادشاهی اسرائیل پدید آمده‌اند.

در فرهنگ واژگان ولهاوزن، اولین منبع مستند تورات که در اوایل دورهٔ پادشاهی نوشته شد، با حرف جی (J) مشخص می‌شود و مخفف «یهوه‌ای» (Yahwist) است. این نام از آنجا به این بخش داده شده است که نام برجستهٔ خدا در قسمت‌هایی که با این منبع مکتوب مشخص شده‌اند، «یهوه» است که در زبان آلمانی با حرف جی (J) نوشته می‌شود؛ بسیار شبیه املاي آن در زبان انگلیسی که Jehovah است. بخش‌های جی در سرتاسر پیدایش و خروج پراکنده هستند. منتقدین منبع استدلال می‌کنند که بخش‌هایی از تورات در اصل در دوران یهودا و در زمان سلطنت سلیمان در حدود ۹۵۰ ق. م. نوشته شده‌اند. در این دیدگاه، متون جی ارائه‌دهندهٔ سندی هستند که مربوط به دوران باستان است و از تمرکز و تدوین مذهب و جامعهٔ اسرائیلی توسط خاندان داوود در اورشلیم حمایت می‌کند. دومین منبع مکتوب تورات با حرف ای (E) مشخص می‌شود که مخفف کلمهٔ «الوهیمی» (Elohist) است، چون خدا معمولاً در این متون الوهیم نامیده می‌شود. موارد «ای» نیز در پیدایش و خروج یافت می‌شوند. بر اساس این نظریه، منابع «ای» در حدود سال ۸۵۰ ق. م. در شمال، و پس از تجزیهٔ اسرائیل به دو پادشاهی نوشته شدند. متون «ای»، مروج دیدگاه‌های شمالی و نبوتی بودند که از خاندان داوود انتقاد می‌کردند.

سومین منبع ادبی، دی (D) نامیده شده که مخفف کلمهٔ «تثنیه‌ای» (Deuteronomist) است. این نام از آنجا به این بخش داده شده است که متون «دی» عمدتاً در کتاب تثنیه ظاهر می‌شوند و فقط گاهی می‌توان آنها را در بخش‌های دیگر تورات دید. زمان این مطالب معمولاً بین اصلاحات یوشیا در حدود ۶۲۲ ق. م. و سقوط اورشلیم به دست بابلیان در ۵۸۶ ق. م. تخمین زده می‌شود. در یک نظریهٔ متداول، متون «دی» نمایانگر اعمال لاویانی بود که از شمال اسرائیل به یهودا عزیمت کردند. این لاویان به خاندان داوود وفادار بودند اما در عین حال، منتقد آن نیز بودند.

در نهایت، چارمین منبع ادبی عمده در بسط تورات معمولاً پی (P) خوانده شده که مخفف نویسنده یا نویسندگان کهناتی (Priestly) است. در نظریه‌ای عام، «پی» گروهی از کاهنان بودند که کتاب لاویان را نوشتند و قسمت‌هایی دیگر از تورات را بین سال‌های ۵۰۰ و ۴۰۰ ق. م. گردآوری و ویرایش کردند. بر اساس این نظریه، «پی» پس از بازگشت باقیماندهٔ اسرائیل از تبعید، تورات را برای هدایت نظم اجتماعی و پرستشی طراحی کرد. حال، در طی قرن بیستم، محققان اهل فن به ندرت جنبه‌ای از نقد منبع را بدون به چالش کشیدن گذاشتند. با این وجود، هنوز هم آثار این دیدگاه‌ها تقریباً در هر تفسیر انتقادی از تورات وجود دارد.

## نقد قالب

دومین راهکار عمده رویکردهای انتقادی درباره تورات، «نقد قالب» خوانده می‌شود.

نقد قالب به عنوان یک زمینه تخصصی در مطالعات عهد عتیق و در اثری از هرمان گونکل (Hermann Gunkel) به نام «افسانه‌های پیدایش» (The Legends of Genesis) آغاز شد که به سال ۱۹۰۱ به نگارش در آمد. گونکل و پیروان او اصول عمده نقد منبع را پذیرفتند، اما بر جنبه‌ای مقدم از بسط تورات تمرکز کردند. به جای تمرکز بر منابع مکتوب تورات، منتقدان قالب بر آنچه باور داشتند که سنت‌های شفاهی پیش از زمان پادشاهی اسرائیل است، متمرکز شدند.

در دوره‌ای که نقد قالب رواج داشت، محققان به راه‌های عملکرد سنت‌های شفاهی در فرهنگ عامی قبیله‌ای دقت کردند. منتقدان قالب، این مطالعات را در هنگام جستجوی‌شان برای سنت‌های ناب، پویا، و پیش‌ادبی به کار گرفتند که منجر به منابع مستند تورات شدند.

روش نقد قالب اساساً دو سویه بود: از یک سو منتقد قالب، متون را تجزیه و تحلیل می‌کرد تا قالب‌های شفاهی باستان، یا گونه‌های ادبی مانند اسطوره‌ها، داستان‌های عامیانه، حماسه‌ها، عاشقانه‌ها، افسانه‌ها، و مثل‌ها را کشف کند. از سوی دیگر، آنها این گونه‌های ادبی را با زمینه‌های فرهنگی‌ای که مرتبط می‌کردند که با عنوان «سیتزه ایم لین» (Sitze im Leben) یا «محیط زندگی» (life settings) این سنت‌های شفاهی شناخته می‌شدند. این زمینه‌ها شامل عبادت، اردوگاه‌های قبیله‌ای، فرمان‌های خانوادگی، دادگاه‌های محلی، و موارد مشابه بودند. برای مثال، تعدادی از منتقدین قالب، روایت کشتی یعقوب در فنیئیل در پیدایش ۳۲: ۲۲-۳۲ را داستانی می‌دانند که در ابتدا دور آتش یک قبیله باستانی تعریف می‌شد. آنها اینطور استدلال می‌کنند که این روایت در اصل از دل وقایع داستانی ماورای طبیعی و جادویی‌ای بیرون می‌آید که در اطراف رود یبوق تعریف می‌شدند. در این نظریه، مدت‌ها بعد بود که داستان با شخصیتی قبیله‌ای به نام یعقوب مرتبط شد.

مطمئناً، نقد قالب به درستی بر اهمیت ساختار و ویژگی‌های قالبی متون کتاب مقدسی تأکید می‌کند. اما نقد قالب نیز مانند نقد منبع، از راه‌های مختلف به چالش کشیده شده است. چالش‌های نقد قالب به طور ویژه بر بازسازی‌های نظری آن از قالب‌های شفاهی و محیطی در پس متون کتاب مقدسی تمرکز دارند. با اینحال، هنوز هم می‌بینیم که نقد قالب بسیاری از محققان منتقد را به جای آنکه به سوی تورات به همان شکلی که در کائنات کتاب مقدس وجود دارد جلب کند، به سوی نظریات پرسش‌برانگیز می‌کشاند.

## نقد سنت

سومین راه عمده‌ای که محققان منتقد، تورات را تفسیر کرده‌اند، معمولاً نقد سنت یا نقد سنتی-تاریخی نامیده شده است.

منتقد سنت، بر پایه نتایج نقد منبع و قالب، بر چگونگی بسط سنت‌های شفاهی و متون مکتوب به سوی دیدگاه‌های پیچیده‌الاهیاتی و سیاسی تمرکز می‌کند. محققان برجسته‌ای مانند مارتین نوث (Martin Noth) در کتاب خود به نام «تاریخچه سنن توراتی» (A History of Pentateuchal Traditions) که در سال ۱۹۴۸ منتشر شد، و گرهارد فُن راد (Gerhard von Rad) در کتاب خود به نام «الهیات عهد عتیق» (Theology of the Old Testament) که در سال ۱۹۵۷ انتشار یافت، به طرح این پرسش پرداخته‌اند که چطور تورات تأثیر سنت‌های مختلف را منعکس کرده است.

منتقدین سنت، چیزی را در میان چیزهای دیگر تشخیص داده‌اند که به باور آنها، مجموعه‌ای از باورهای الاهیاتی رقیب در تورات هستند. آنها اشاره کردند که چطور تورات تلفیقی از سنت‌های مختلف درباره موضوعاتی مانند آفرینش، پاتریارک‌ها، خروج از مصر، و فتح سرزمین وعده را منعکس می‌کند. آنها همچنین دیدگاه‌های مربوط به اسباط اسرائیل، تخت پادشاهی داوود، و هیکل اورشلیم را بررسی کردند تا فقط به چند مورد اشاره کنند. و باور داشتند که این جریان‌های پیچیده‌الاهیات بر بسیاری از مضامین اصلی که در تورات دیده می‌شوند، تأثیر عمیقی گذاشته است.

یک بار دیگر، اکثر نتیجه‌گیری‌های خاص نقد سنت در طول سالیان مورد پرسش واقع شده است. با این حال، وقتی مفسران عهد عتیق در مورد قسمت‌هایی از بازتاب جریان‌های مختلف سنت در اسرائیل صحبت می‌کنند که با یکدیگر در تضاد یا حتی رقابت بودند، می‌توانیم آثار این رویکرد را ببینیم.

## نقد ویرایش

چهارمین طریق عمده در رویکرد مفسرین منتقد به بسط تورات، نقد ویرایش خوانده می‌شود. همانطور که واژه «ویرایش» نشان می‌دهد، این راهکار بر این مسئله متمرکز می‌شود که چطور اسناد فرضی در کنار هم ویرایش شده‌اند تا تورات را به شکلی که امروز آن را می‌شناسیم تشکیل بدهند.

نقد ویرایش در قرن بیستم، در مطالعات عهد جدید به عنوان راهی برای توضیح اختلافات بین اناجیل عهد جدید آغاز شد. منتقدین ویرایش باور داشتند که این اختلافات، نتیجه ویرایش و تغییر شکل روایات مکتوب پیشین هستند.

شیوه‌هایی مشابه درباره تورات نیز به کار گرفته شد. تلاش‌هایی صورت گرفت تا توضیح بدهد که چطور ویراستاران مختلف، منابع مکتوب قبلی مانند «جی»، «ای»، و «دی» را گرفته و آنها را در هم تنیدند تا تورات به شکل نهایی خود برسد. این رویکرد به طور ویژه بر کار ویرایشی موخر «پی» تمرکز می‌کند.

نقد ویرایش از این مزیت برخوردار بود که توجه را به کتاب‌های پیدایش تا تثنیه، به همان شکلی که امروزه در کتاب مقدس وجود دارند، معطوف کرد. اما نقد ویرایش هرگز به طور چشمگیری با نتیجه‌گیری‌های نقد منبع، قالب، و سنت تفاوت نداشت.

### نقد معاصر

در اینجا، باید به برخی از گرایش‌های اشاره کنیم که مشخصه نقد معاصر یا رویکردهای انتقادی موثرتر کنونی به تورات هستند.

در دهه‌های اخیر، بسیاری از مفسران منتقد برجسته کوشیده‌اند تا از نظریه‌های انتقادی تاریخی گذشته، فراتر بروند. آنها در عوض، بر یگانگی الاهیاتی و عمق متن عبری سنتی تورات تمرکز کرده‌اند. این رویکردها، اشکال مختلفی گرفته‌اند؛ تنها برای اشاره به برخی از آنها، می‌توان از نقد فصاحت، نقد کائنی، و نقد جدید ادبی نام برد. اما همه آنها در تمرکز بر تفسیر تورات به گونه‌ای که از طریق کنیسه و کلیسا به دست ما رسیده است، مشترک هستند. پرداخت‌ها به تورات در شکل نهایی آن، متعهدانه‌تر از رویکردهای انتقادی قدیمی‌تر هستند. اما تنها زمان نشان خواهد داد که این رویکردهای امروزی‌تر چه ثمری خواهند داشت.

تا این بخش از «مقدمه‌ای بر تورات»، بر رویکردهای انتقادی امروزی نسبت به این بخش از کتاب مقدس تمرکز کردیم. اکنون باید به سراغ دومین موضوع اصلی‌مان در این درس برویم: دیدگاه‌های امروزی اوانجلیکال به تورات. اوانجلیکال‌ها امروزه چه رویکردی به پنج کتاب نخست کتاب مقدس دارند؟

### رویکردهای امروزی اوانجلیکال

به یاد دارید که در راستای اهدافمان در اینجا، اوانجلیکال‌ها را کسانی تعریف کردیم که به اقتدار کامل کتاب مقدس باور دارند. لازم به ذکر نیست که اوانجلیکال‌ها، همیشه این عقیده را دقیقاً به یک روش اعمال نکرده‌اند. اما همانطور که خواهیم دید، این تعهد به اقتدار کتاب مقدس هنوز راهنمای اوانجلیکال‌هاست تا به طریق بسیار متفاوتی از محققان منتقد امروزی، با تورات برخورد کنند.

ما دیدگاه‌های امروزی اوانجلیکال درباره تورات را در امتداد مباحث قبلی خود خلاصه خواهیم کرد. نخست، به برخی از پیش‌فرض‌های مهم نگاه خواهیم کرد که باید راهنمای‌مان باشند. دوم، دیدگاه‌های اوانجلیکال درباره نگارش تورات را در نظر خواهیم گرفت. و سوم، به بررسی چند راهکار تفسیری عمده اوانجلیکال خواهیم پرداخت. بیایید ابتدا به برخی از پیش‌فرض‌های مهم اوانجلیکال نگاه کنیم.



### پیش‌فرض‌ها

ما خود را به دو پیش‌فرض محدود می‌کنیم که نقطهٔ تقابل دیدگاه‌های انتقادی و اوانجلیکال هستند. نخست، باورمان به ماوراءالطبیعه را بررسی می‌کنیم. و دوم، به پیش‌فرض‌های مان دربارهٔ بسط تاریخی ایمان اسرائیل نگاهی خواهیم داشت. بیا بیا اول به باورمان دربارهٔ ماوراءالطبیعه نگاه کنیم.

### ماوراءالطبیعه

ماوراءالطبیعه به نوعی زبان امروزی ماست تا بین آن و «طبیعی» تمایزی قایل شویم؛ چون البته اگر ما به خدا ایمان داشته باشیم، باور داریم که او از طریق همه چیز کار می‌کند. اما از زمانی که فیلسوف شکاک اسکاتلندی، دیوید هیوم، چنین تمایزی را به وجود آورد و گفت که، «ما دلیلی نداریم که به فعالیت‌های ماوراءالطبیعه ایمان داشته باشیم»، این یک مشکل بوده است. و همین یکی از دلایل اصلی‌ای بوده که بسیاری از مردم علیه اعتبار کتاب مقدس استدلال کرده‌اند، چون آنها می‌گویند، خُب، کتاب مقدس پر از معجزات است و ما می‌دانیم که معجزه‌ها اتفاق نمی‌افتند. خُب، چرا ما می‌دانیم که معجزات اتفاق نمی‌افتند؟ خُب به خاطر اینکه دیوید هیوم آن را «ثابت» کرد. و بعد شما به سراغ استدلال او می‌روید و به آن نگاه می‌کنید، و می‌بینید که استدلال او به هیچوجه خوب نیست. در حقیقت، یکی از نکات کلیدی استدلال او این است که ما شاهدین عینی نداریم، که - شاهدین عینی معتبر - مدعی وجود معجزات باشند، به ویژه امروزه که می‌توانیم آن را آزمایش کنیم. و با این وجود، حتی در روزگار هیوم شاهدین عینی معتبری وجود داشتند که خدا همچنان کارهای معجزه‌وار انجام می‌دهد، و امروز هم ما تعدادی باورنکردنی از آنها داریم... و اگر امروز این معجزات اتفاق می‌افتند، چقدر بیشتر می‌توانیم انتظار داشته باشیم که آنها در مقطعی قابل توجه از تاریخ نجات اتفاق افتاده باشند که خدا در کار بود.

- دکتر کریگ کینر

کلام خدا تعلیم می‌دهد که او معمولاً تاریخ را به روش‌هایی هدایت می‌کند که از الگوهای قابل تشخیصی پیروی می‌کنند. خرد و دانش، عطایایی از طرف خدا هستند که به ما کمک می‌کنند تا این الگوها را تشخیص بدهیم. و به همین دلیل، اوانجلیکال‌ها به درستی برای پژوهش‌های منطقی و علمی دربارهٔ تورات اهمیت قایل هستند. اما در عین حال، پیروان عیسی این را نیز می‌دانند که خدا به طریقی ماورای طبیعی در جهان دخیل بوده و همچنان نیز خود را در آن دخالت می‌دهد. خدا از راه‌های عمل می‌کند که خارج، فرا، و حتی خلاف روندهای معمول و علل طبیعی هستند. این باور از بسیاری جهات بر مطالعهٔ ما دربارهٔ تورات تاثیر می‌گذارد. اما به طور خاص، به ما اطمینان می‌دهد که خدا الهام‌بخش و ناظر نگارش این بخش‌های کتاب مقدس بود. بنابراین، آنها کلام کاملاً مقتدر و قابل

اطمینان او هستند. البته، ما همیشه باید مراقب باشیم تا تفسیر خودمان را با آنچه تورات در حقیقت می‌گوید، اشتباه نگیریم. تفسیرهای ما همیشه قابل بهبود هستند. اما از یک دیدگاه اوانجلیکال، هر آنچه که تورات ادعا می‌کند حقیقت دارد کاملاً حقیقی است، چون توسط خدا الهام شده است.

پیش‌فرض‌های ما دربارهٔ ماوراءالطبیعه، مستقیماً به پیش‌فرض‌هایی دربارهٔ بسط تاریخی ایمان اسرائیل منتهی می‌شود.

### بسط تاریخی

همانطور که دیدیم، محققان منتقد امروزی چنین استدلال می‌کنند که ایمان اسرائیل از طریق ابزارهای طبیعی و مانند همهٔ مذاهب دیگر در خاور نزدیک باستان، بسط یافت. اما اوانجلیکال‌ها باور دارند که ایمان اسرائیل از طریق مکاشفات ویژهٔ الهی بسط پیدا کرد. خدا در حقیقت خود را مستقیماً به مردان و زنان مکشوف کرد که با آدم شروع شد، و سپس با نوح ادامه پیدا کرد. و او همچنین با پاتریارک‌های اسرائیل، یعنی ابراهیم، اسحاق، و یعقوب صحبت کرد. او موسی را در بوتۀ فروزان مخاطب قرار داد. او شریعت خود را در کوه سینا برای اسرائیل آشکار کرد. مکاشفاتی از این دست باعث شدند تا ایمان اسرائیل به شکلی متفاوت از دیگر مذاهب در خاور نزدیک باستان، بسط پیدا کند. مطمئناً فیض عام خدا و تاثیر شیطان منجر به تشابهاتی بین ایمان اسرائیلی و مذاهب دیگر ملل شد. اما ایمان اسرائیل به طور طبیعی تکامل پیدا نکرد. بلکه خدا به شکلی ماورای طبیعی بسط ایمان اولیهٔ اسرائیل را، به همان شکلی که تورات تعلیم می‌دهد، هدایت کرد.

ما دیدگاه‌های امروزی اوانجلیکال و پیش‌فرض‌هایی را در نظر گرفتیم که با رویکردهای انتقادی به تورات در تضاد هستند. این چشم‌اندازها منجر به اعتقادات متضادی دربارهٔ نگارش تورات شده است. محققان منتقد این عقیده که تورات می‌تواند از روزگار موسی آمده باشد را رد می‌کنند. اما اوانجلیکال‌ها همچنان بر اعتقاد دیرینهٔ یهودیان و مسیحیان مبنی بر نگارش تورات توسط موسی تاکید می‌کنند.

### نگارش

برای بررسی دیدگاه‌های اوانجلیکال دربارهٔ نگارش تورات، به دو مسیر نگاه خواهیم کرد. نخست، به ذکر بعضی از شواهد کتاب مقدسی برای این دیدگاه خواهیم پرداخت. و دوم، به توضیح این موضوع می‌پردازیم که چطور اوانجلیکال‌ها به چیزی باور دارند که «نگارش اساسی موسایی» خوانده می‌شود. بیایید با برخی از شواهد کتاب مقدسی برای نویسندگی موسی شروع کنیم.

### شواهد کتاب مقدسی

کتاب مقدس بیش از حد کافی شواهدی برای این دیدگاه سنتی دارد که موسی نویسنده تورات بود. اما به خاطر رعایت وقت، فقط چند بخش از سه قسمت مجزای کتاب مقدس را نظر می‌گیریم و با شاهی از عهد جدید شروع می‌کنیم. به لوقا ۲۴: ۴۴ گوش کنید که عیسی گفت:

ضروری است که آنچه در تورات موسی و صحف انبیا و زبور درباره من مکتوب است به انجام رسد (لوقا ۲۴: ۴۴).

در اینجا عیسی مانند یهودیان معاصر خود، به کلیت عهد عتیق در سه بخش اشاره کرد: موسی، انبیا، و مزامیر. از طریق این نامگذاری‌ها، لوقا به صراحت نشان داد که عیسی اسفار پنجگانه یا تورات را با موسی مرتبط می‌دانست.

عیسی همچنین در یوحنا ۵: ۴۵ نیز از موسی به عنوان نویسنده تورات نام برد و گفت:

اگر موسی را تصدیق می‌کردید، مرا نیز تصدیق می‌کردید چونکه او درباره من نوشته است (یوحنا ۵: ۴۵).

علاوه بر شهادت خود عیسی، بخش‌های دیگر عهد جدید نیز به بخش‌های بخصوصی از تورات به عنوان کلام موسی اشاره کرده‌اند. ما این مسئله را در متونی مانند مرقس ۷: ۱۰، یوحنا ۷: ۱۹، رومیان ۱۰: ۵، و اول قرنتیان ۹: ۹ می‌بینیم.

در حقیقت، پشتیبانی عهد جدید از نویسندگی موسایی بر اساس شهادت عهد عتیق بود. و در بسیاری از موارد، کتاب‌های عهد عتیق، موسی را با تورات مرتبط می‌دانستند. برای مثال، به دوم تواریخ ۲۵: ۴ گوش کنید:

[أَمْصِيَا] پسران ایشان را نکشت به موجب نوشته کتاب تورات موسی (دوم تواریخ ۲۵: ۴).

بخش‌های مشابه دیگری نیز در عهد عتیق موسی را با تورات مرتبط می‌کنند؛ از جمله آیاتی مانند دوم تواریخ ۳۵: ۱۲؛ عزرا ۳: ۲ و ۶: ۱۸؛ و نحمیا ۸: ۱ و ۱۳: ۱.

همچنین باید توجه داشته باشیم که شهادت عهد جدید و عهد عتیق، به طور کلی بر اساس آنچه که خود تورات درباره نویسنده‌اش می‌گوید استوار است. اگر به طور دقیق صحبت کنیم، بخش عمده تورات، بی‌نام است. به غیر از آیه اول تثنیه، نام موسی در آغاز یا پایان هیچ‌یک از این کتاب‌ها به نحوی که نویسندگی او را نشان بدهد، ذکر نشده است. اما این در خاور نزدیک باستان غیر معمول نبود. در کتاب مقدس نیز غیر معمول نبود. در حقیقت، خود تورات با اظهاراتی صریح تایید می‌کند که موسی مکاشفاتی از خدا دریافت کرد و مسئول تالیف تورات بوده

است. برای نمونه، خروج ۲۴: ۴ به ما می‌گوید که موسی کتاب عهدها را نوشت که در خروج ۲۰: ۱۸-۲۳: ۲۳ یافت می‌شود. در لاویان ۱: ۱-۲ متوجه می‌شویم که دستورات مذکور در کتاب لاویان، از طریق موسی به اسرائیل داده شد. در تثنیه ۳۱: ۱ و ۳۲: ۴۴ به ما گفته می‌شود که موسی سخنرانی‌های مکتوب در کتاب تثنیه را بیان کرده است. به طور خلاصه، تورات با صراحت و روشنی ادعا می‌کند که موسی فعالانه در دریافت و انتقال مطالب بخش‌های عمده‌ای از تورات نقش داشته است.

اینها و بسیاری از شواهد کتاب مقدسی دیگر، توضیح می‌دهند که چرا اوانجلیکال‌ها محکم در برابر نقدهای بدبینانه درباره نویسنده‌ی تورات ایستاده‌اند. واضح است که کتاب مقدس از نظریات انتقادی‌ای که فرض می‌کنند تورات مدت‌ها پس از زندگی موسی نوشته شده، حمایت نمی‌کند. اگر از شهادت عهد جدید و عهد عتیق پیروی کنیم، می‌توانیم کاملاً اطمینان داشته باشیم که تورات با موسی مرتبط است.

خودِ تورات، خودش را به شکلی اساساً موسایی ارائه می‌کند. البته موسی یکی از اصلی‌ترین شخصیت‌ها از خروج تا تثنیه است. و متن خودش را به عنوان اینکه عمدتاً از روزگار موسی است، ارائه می‌کند. برای مثال، در خروج به ما گفته شده... که یهوه به موسی گفت تا کتاب عهدها را بنویسد، که باب‌های ۲۱ تا ۲۳ خروج است. در کتاب لاویان به ما گفته شده که مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها و شریعت توسط موسی ارائه شدند. البته، موسی در کتاب اعداد شخصیت اصلی است. در کتاب تثنیه، ما مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها داریم که توسط موسی انجام شدند، و چندین بار در کتاب تثنیه به ما گفته شده که موسی این بخش‌ها را نوشت و آنها را به دست کاهنان داد. حالا این لزوماً به آن معنا نیست که موسی همه کتاب تثنیه را به خودی خود نوشت، اما خود کتاب تثنیه به ما می‌گوید که بخش‌های قابل توجهی از کتاب، بخش عمده کتاب را موسی نوشت و بعد آن را به کاهنان تحویل داد. بنابراین، برای مثال، در تثنیه، چه موسی نویسنده یا راوی اصلی باشد یا نه، شاید حداقل ۹۰ درصد کتاب را خود موسی نوشت.

- دکتر گوردن جانستون

اکنون که دیدیم مفهوم اساسی نویسنده‌ی موسایی از طرف شواهد کتاب مقدسی حمایت می‌شود، باید به موضوع دوم توجه کنیم. منظور اوانجلیکال‌های امروزی از نگارش اساسی موسایی چیست؟

## نگارش اساسی موسایی

اوانجلیکال‌ها در طی پاسخ به نظرات انتقادی درباره تورات، جواب‌های خود را به طرق مختلف اصلاح کرده‌اند. اما در نیمه قرن بیستم، صحبت از «نگارش اساسی موسایی» درباره تورات رواج پیدا کرد.

گوش کنید که چطور ادوارد جی. یانگ (Edward J. Young) این دیدگاه را در کتاب خود به نام مقدمه‌ای بر عهد عتیق (Introduction to the Old Testament) که در سال ۱۹۴۹ منتشر شد، خلاصه می‌کند:

وقتی ما می‌گوییم که موسی تورات را نوشت، منظورمان این نیست که خود او لزوماً تک تک کلمات را نوشت... شاید او بخشی از منابع مکتوبی که از پیش وجود داشتند را به کار گرفت. همچنین، تحت الهام الهی، ممکن است بعداً اضافات جزئی و حتی تجدید نظرهایی صورت گرفته باشد. به هر روی، به طور ذاتی و اساسی، محصول موسی است.

حال، اوانجلیکال‌ها جزئیات این دیدگاه درباره‌ی نویسندگی موسی را به طرق مختلفی درک کرده‌اند. اما کم و بیش، ما از «نگارش اساسی موسایی» صحبت می‌کنیم تا سه عاملی را که همیشه باید در ذهن داشته باشیم، به خود یادآوری کنیم: منابعی که موسی استفاده کرد، روندی که طی آن تورات به نگارش درآمد، و افزوده‌هایی که در روزگار پس از موسی در آن انجام شد. بیایید ابتدا منابعی را در نظر بگیریم که موسی استفاده کرد.

**منابع.** کتاب مقدس به ما می‌گوید که خدا از راه‌های مختلف خودش را بر موسی آشکار کرد. برای نمونه، خدا ده فرمان را با انگشت خود نوشت. و کتاب عهدها شامل قوانینی است که خدا روی کوه سینا به موسی داد. اما مانند بسیاری از قسمت‌های دیگر کتاب مقدس، نشانه‌هایی وجود دارد که موسی در نگارش تورات، از منابع دیگری نیز استفاده کرد.

از یک سو، او احتمالاً سنت‌های شفاهی متنوعی را مورد استفاده قرار داد. برای نمونه، به احتمال زیاد موسی در اوایل کودکی برخی موارد را از مادر حقیقی‌اش و خانواده‌ی خود آموخت. علاوه بر این، در خروج ۱۷: ۱۸-۲۴ می‌بینیم که موسی کاملاً پذیرای راهنمایی‌های پدر همسرش، یترون در مدیان بود.

هرگاه که ما درباره‌ی سنت‌های شفاهی پشت هر قسمتی از تورات صحبت می‌کنیم، از جمله تاریخ آغازین یا بخش‌های دیگر، کمی مبهم است چون واضحاً هیچ سند مشخصی برای آن وجود ندارد. منظور از اینکه می‌گویید «شفاهی»، همین است، یعنی هیچ چیزی نوشته نشده بود. اما وقتی لحظه‌ای درباره‌ی آن فکر می‌کنید، چند نکته می‌دانیم که به ما کمک می‌کنند تشخیص بدهیم که موسی احتمالاً خیلی ساده یک روز در مورد این داستان‌ها فکر نکرد؛ و احتمالاً خدا هم صرفاً یک روز این داستان‌ها را بدون هیچ پیش‌زمینه‌ی شفاهی به او نگفت. یکی از شواهدش این است که فرهنگ‌های اولیه حتی امروزه هم تکیه‌ی زیادی به داستان‌سرایی دارند، تکیه‌ی زیادی بر تکرار نسل به نسل داستان‌های باستانی درباره‌ی مردم‌شان، و این اغلب به موازات زمان‌های کتاب مقدس است که مردم کارهای مشابهی را انجام

می‌دادند. و محکم‌ترین شاهی که ما از این موضوع در تورات داریم، به طور کلی، شکلی است که داستان‌های موجود در خروج و اعداد غالباً در کتاب تثبیه تکرار شده‌اند. و در کتاب تثبیه، زمینه‌ای به ما داده شده که موسی سخنرانی‌هایی می‌کند یا موعظه‌هایی انجام می‌دهد که شامل عناصری هستند که ما آنها را همچنین در کتاب خروج و اعداد پیدا می‌کنیم. اما نکته جالب درباره‌شان این است که اگرچه شبیه هم هستند، اما دقیقاً یکسان نیستند. و بنابراین، یک فرهنگ در دوران موسی وجود داشت، یک فرهنگ در اسرائیل در آن ایام وجود داشت، که قصه‌ها را از گذشته می‌گرفت، یا روایت‌ها را از گذشته می‌گرفت، اتفاقاتی که افتاده بودند و اینکه چگونه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده بودند، و سپس به روش‌هایی خاص از آنها در زمینه زندگی شما استفاده می‌کرد. و البته شما می‌دانید که موسی در سال‌های اولیه زندگی‌اش، در خانه مادرش رشد کرد، و این البته به او داستان‌هایی می‌داد که درباره گذشتگان بدانند، درباره هویتش به عنوان یک عبرانی بدانند، هویتش به عنوان کسی که از نسل ابراهیم است را بدانند. و البته، در تعامل موسی با مشایخ اسرائیل، حتی در زمان بازگشتش از وقتی که با یترون گذراند، حتی داستان‌های بیشتری می‌آموخت که ویژه تبار او بودند. و بنابراین، دلیل خوبی وجود دارد که فکر کنیم موسی در حقیقت، وقتی که بخش‌های مختلف تورات را می‌نوشت، بر سنت‌های شفاهی تکیه کرد، یا داستان‌هایی که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده بودند.

- دکتر ریچارد پرت

تاثیر سنت‌های شفاهی، ویژگی قابل توجه خوانندگی موسی در بوتۀ فروزان را توضیح می‌دهد. به آنچه در خروج ۳: ۱۳، ۱۶ اتفاق افتاد گوش دهید:

موسی به خدا گفت: «اینک چون من نزد بنی اسرائیل برسم، و بدیشان گویم خدای پدران شما مرا نزد شما فرستاده است، و از من بپرسند که نام او چیست، بدیشان چه گویم؟» ... بدیشان بگو: یهوه خدای پدران شما، خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب، به من ظاهر شده (خروج ۳: ۱۳، ۱۶).

دقت کنید که خدا خیلی ساده به موسی گفت که به او با عنوان «خداوند» - یا یهوه - «خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب» اشاره کند. یک نفر می‌باید به موسی درباره نام الاهی «یهوه» و سنت‌های پاتریارک‌ها تعلیم داده باشد. در غیر این صورت، این سخن خدا پرسش‌های بی‌شماری در ذهن موسی ایجاد می‌کرد. اما همانطور که در اینجا می‌بینیم، موسی به قدری آماده دریافت دستورات خدا بود که هرگز سوالی در این باره مطرح نکرد. ما حتی می‌توانیم اطمینان بیشتری داشته باشیم که منابع موسی در حین نگارش تورات، شامل اسناد مستقلی نیز می‌شد. ما این را در قسمت‌هایی مانند خروج ۲۴: ۷ می‌بینیم. این آیه نشان می‌دهد که موسی «کتاب

عهدها» را به عنوان سند مستقلی نوشت که بعدها آن را وارد کتاب خروج کرد. و در اعداد ۲۱: ۱۴-۱۵، موسی ارجاعات جغرافیایی‌ای از کتابی موجود نقل قول می‌کند که به نام «جنگ‌های خداوند» شناخته می‌شد. علاوه بر این، در پیدایش ۵: ۱، چیزی می‌خوانیم که احتمالا اشاره‌ای صریح به یک منبع ادبی بیرونی است که «کتاب نسل‌های آدم» خوانده می‌شد. همانطور که این ترجمه تحت‌اللفظی نشان می‌دهد، موسی احتمالا به اطلاعاتی اشاره کرد که از یک «کتاب» یا «طومار» واقعی - פִּטְפֹּת (سیفر) در عبری - درباره فرزندانش آدم به دست آورده بود.

گذشته از این، خروج ۱۷: ۱۴ به ثبت یک نبرد اشاره می‌کند. در این آیه، خدا به موسی فرمان می‌دهد:

این را برای یادگاری در کتاب بنویس، و به سمع یوشع برسان (خروج ۱۷: ۱۴).

فرمان خدا به موسی نشان می‌دهد که موسی پیش از نگارش تورات به طور کامل، دست‌کم برخی از وقایع را به طور مستقل ثبت کرده است.

وقتی نگاهی به تورات می‌اندازید به نظر می‌رسد که به ویژه در مورد کتاب پیدایش، موسی در واقع از اسناد بسیار باستانی استفاده می‌کرد. ما می‌دانیم که موسی در واقع چهار زبان می‌دانست. او مصری را می‌دانست. او همچنین عبری می‌دانست چون در خانواده‌ای عبرانی بزرگ شد؛ مادر حقیقی او، مادر شیری‌اش نیز بود. این را نیز می‌دانیم که او زبان رایج آن زمان، زبان تجارت بین‌المللی و دیپلماتیک، زبانی که اکدی خوانده می‌شد را هم می‌دانست. و او همچنین زبان آرامی را نیز می‌دانسته، چون آرامی زبانی است که اسرائیلیان در روزگار اولیه خود به آن صحبت می‌کردند - ابراهیم، اسحاق، یعقوب و دیگران. بنابراین، موسی فردی بسیار بسیار آموزش‌دیده، و تحصیلکرده بود، و این از روشی پدیدار می‌شود که او ساختار کتاب پیدایش را شکل داد و به ما می‌گوید که از اسناد خاصی استفاده کرده است، چون ده بار به ما می‌گوید که، «این است که کتاب پیدایش...» یا «این است نسل‌های...» و غیره. و به نظر می‌رسد اینها روایاتی هستند که او به آنها دسترسی داشته، آنها را حفظ کرده، احتمالا آنها را از زبان‌های اصلی، احتمالا تا حدی آرامی، یا زبان‌های کنعانی اولیه، به عبری ترجمه کرده که به آن زبان پیدایش را برای مردم نوشت. لزوما پس از کتاب پیدایش، اینگونه نبود. وقتی که به لاویان و اعداد و غیره می‌رسید، و مخصوصا خروج و تثنیه، وقتی که به چهار کتاب نهایی تورات می‌رسید، موسی در حال نگارش آنها در محل است، سر صحنه. او دقیقا آنجاست؛ او دارد آن را به انجام می‌رساند. و مهم‌تر، خدا دارد آن را به انجام می‌رساند چون بخش عمده آن کتاب‌ها کلام خدا از طریق نبی اوست.

- دکتر داگلاس استوارت

اوانجلیکال‌ها علاوه بر تصدیق منابع شفاهی و ادبی تورات، وقتی از نویسندگی اساسی موسایی صحبت می‌کنند، این را نیز تایید می‌کنند که تورات در حقیقت در طی روندی پیچیده نوشته شد.

**روند.** برای آغاز، موسی بخش عمده تورات را پیش از آنکه عملاً نوشته شود، با بازگویی شفاهی ارائه کرد. سخنان او در کتاب‌های خروج و تثبیه، نمونه‌های صریح این موضوع را به دست می‌دهند. و به احتمال زیاد، قسمت‌های دیگر تورات نیز در ابتدا به صورت شفاهی به اسرائیل منتقل شدند و بعداً به نگارش درآمدند. همچنین به احتمال زیاد موسی از کاتبان - یا منشیان - برای نگارش تورات استفاده کرد. ما می‌دانیم که موسی در دربار مصر تحصیل کرده بود. بنابراین، او با عمل مرسوم استفاده از منشیان و کاتبان برای نگارش اسناد رسمی آشنا بود. عیسی به عنوان راهبر اسرائیل، احتمالاً به دستیارانی برای نگارش بخش عمده تورات تحت نظارت او - اگر نه همه‌اش - ماموریت داد.

کتاب مقدس روشن می‌کند که دیگر نویسندگان الهام‌یافته کتاب مقدسی نیز از منشیان استفاده کردند. برای نمونه، در ارمیا ۳۶: ۴، ارمیای نبی صریحاً به شاگرد خود باروک فرمان داد تا سخنان او را بنویسد. ما می‌توانیم شواهدی از این عمل را عمدتاً در سبک‌های ادبی نابرابر تورات ببینیم. برای نمونه، سبک‌های روایی که در قسمت‌های مختلف پیدایش ظاهر می‌شوند، کاملاً از یکدیگر متفاوت هستند. و تفاوت‌های چشمگیری در قاعده‌مندی و تکرار زبان عبری تثبیه و همه دیگر کتاب‌های تورات می‌بینیم. به احتمال زیاد، تفاوت‌هایی از این دست، بازتاب عمل کاتبان مختلف است.

نویسندگی اساسی موسایی نه تنها به منابع و روندی که موسی استفاده کرد مربوط می‌شود، بلکه شامل اصلاحات تورات پس از زمان موسی نیز هست.

**اصلاحات.** همانطور که دیدیم، محققان منتقد معتقدند که تمامی تورات پس از بازگشت اسرائیل از تبعید به شکل نهایی خود رسید. اما اوانجلیکال‌ها باور دارند که تورات در روزگار موسی پدید آمد. با اینحال، بخش‌هایی از تورات هستند که اصلاحات جزئی ویرایشی در زمان پس از موسی را نشان می‌دهند.

حال، وقتی ما عناصر خاصی از تورات را زمان‌گذاری می‌کنیم، باید بسیار مراقب باشیم. برای نمونه، بعضی از مفسرین می‌گویند که هر متنی که به «فلسطینیان» اشاره می‌کند، می‌باید پس از روزگار موسی نوشته شده باشد. اما این دیدگاه دست‌کم به سه دلیل، قانع‌کننده نیست. نخست، داده‌های باستان‌شناسی درباره حضور فلسطینیان در منطقه، مورد مناقشه است. دوم، ممکن است موسی از اصطلاح «فلسطینی» (که یعنی «مسافر») به عنوان یک نقش جامعه‌شناختی استفاده کرده باشد. و سوم، حتی اگر اصطلاح «فلسطینی» در زمان موسی شناخته شده نبود،



همیشه ممکن است که استفاده از واژه «فلسطینی» صرفاً یک اصلاح جزئی برای کمک به مخاطبان دوران پس از موسی باشد.

به طریقی مشابه، مفسرین استدلال می‌کنند که فهرست پادشاهان ادومی در پیدایش ۳۶: ۳۱-۴۳ از زمان حیات موسی فراتر می‌رود. اما تعیین هویت پادشاهان ادومی که در پیدایش فهرست شده‌اند، قطعی نیست. و همچنین ممکن است این که متون صرفاً حاوی اضافات جزئی‌ای در فهرست‌ها باشند که پس از روزگار موسی افزوده شده‌اند. یکی از مثال‌های واضح اصلاحات جزئی در تورات، در پیدایش ۱۴: ۱۴ دیده می‌شود. در آنجا می‌خوانیم:

چون ابرام از اسیری برادر خود آگاهی یافت، سیصد و هجده تن از خانه زادن کارآزموده خود را بیرون آورده، در عقب ایشان تا دان بتاخت (پیدایش ۱۴: ۱۴).

این متن می‌گوید که ابراهیم دشمنان خود را تا «دان» تعقیب کرد. اما ما از یوشع ۱۹: ۴۷ می‌آموزیم که این ناحیه شمالی تا زمان یوشع، دان نامیده نمی‌شد. بنابراین، خود کتاب مقدس نشان می‌دهد پیدایش ۱۴: ۱۴، یک نام اصلاح‌شده مکان را منعکس می‌کند. این نوع به‌روزرسانی، به خوانندگان بعدی کمک می‌کند تا داستان ابراهیم را با جغرافیایی که به آن آگاه بودند مرتبط کنند. و به احتمال زیاد، تعدادی از قسمت‌های دیگر در تورات نیز به همین ترتیب اصلاح شده‌اند.

احتمالاً مشهورترین و مهم‌ترین اصلاحی که در تورات پیدا می‌شود، مربوط به ثبت مرگ موسی در باب ۳۴ تثنیه است. اما حتی در اینجا هم، ما صرفاً یک ضمیمه جزئی داریم که توضیح می‌دهد چه اتفاقی برای قانون‌گذار اسرائیل افتاد.

علاوه بر اصلاحاتی جزئی از این دست، زبان تورات نیز با توسعه زبان عبری اصلاح شد. تحقیقات اخیر قویاً نشان می‌دهد موسی به زبانی نوشت که محققان آن را «نیا عبری» (proto-Hebrew) می‌نامند. شواهدی از اسناد بین‌المللی پیدا شده در مصر، که با عنوان «نامه‌های عمارنه» (Amarna letters) شناخته می‌شوند، نشان می‌دهد که این شکل از عبری ارتباط نزدیکی با گویش‌های کنعانی مورد استفاده در زمان موسی داشت. اما این زبان بسیار قدیمی‌تر از آنچه است که ما در متون سنتی عبری تورات پیدا می‌کنیم.

سوال درباره زبان عهد عتیق، سوال جذابی است. این زبان چه زمانی... از کجا آمد؟ از کجا پدید آمد؟ این یکی از مواردی است که به مدتی طولانی، مردم را متحیر کرده بود، به خاطر شواهد موجود در زمینه باستان‌شناسی، آیا حتی نوشته‌های عبری وجود دارد، عبری باستانی؟ و ما متن‌هایی داریم که اخیراً، در قرن بیستم کشف شدند. اما همه آنها بعداً می‌آیند. بعد از زمان موسی می‌آیند... و بنابراین، با آن چه می‌کنید؟ خُب، ما شواهدی داریم از قرون سیزدهم و

چهاردم قبل از میلاد که یک سری مکاتبات کاملاً دیپلماتیک وجود دارد، یک آرشيو که کشف شد، نه در کنعان، سرزمین اسرائیل - که سرزمین اسرائیل خواهد شد - بلکه در مصر... و آنها به زبان اکدی نوشته شده‌اند، که زبانی است که در واقع از بین‌النهرین سرچشمه می‌گیرد، اما زبان میانجی است، زبان بین‌المللی دیپلماسی در آن زمان است. اما آنها کنعانی هستند، افراد محلی‌ای هستند که به حاکمان خود در مصر می‌نویسند، و حاشیه‌نویسی‌هایی دارند که به زبان کنعانی نوشته شده‌اند. و بعد این حلقه ارتباطی ماست. زبان کنعانی بعداً چیزی است که ما را به زبان عبری دوران موسایی مرتبط می‌کند. حالا البته ما هیچ مدرکی نداریم، از عبری دوران موسایی چیزی باقی نمانده است، اما این حلقه ارتباطی ماست، این پُل ماست. بنابراین این از حاشیه‌نویسی‌های کنعانی است که ما داریم تا عبری زمان موسی و تا عبری‌ای که ما به عنوان عبری معیار کتاب مقدسی می‌شناسیم و عمده عبری پیشاتبعید و متن دوره قبل از تبعید از آن می‌آید. بنابراین، این حلقه ارتباطی ماست. غیرمستقیم است، اما حقیقی و قابل توجه است.

- دکتر تام پتر

در طی دوره پادشاهان اسرائیل، بین سال‌های ۱۰۰۰ ق. م. و ۶۰۰ ق. م.، این زبان به چیزی تبدیل شده است که امروزه عبری «قدیمی» یا «نیاعبری» نامیده می‌شود. بسیاری از محققان توافق دارند که بخش‌هایی از تورات به این مرحله زبان عبری شباهت دارند، از جمله بخش‌هایی از خروج باب ۱۵ و تثنیه باب ۳۲. اما بخش عمده تورات بسیار شبیه واژگان، املا، و دستور زبان چیزی است که ما امروزه آن را «عبری کلاسیک» می‌خوانیم؛ یعنی مرحله‌ای در توسعه زبان عبری که در زمانی بین میانه قرن هشتم تا اوایل قرن ششم پیش از میلاد مورد استفاده بود.

از این شواهد، نظر می‌رسد که نیاعبری مورد استفاده موسی به عبری جدیدتری اصلاح شد. سپس، بعد از مدتی با زبان عبری کلاسیک به شکل مدرن در آمد و همانی است که ما امروزه در کتاب مقدس عبری در دست داریم.

همیشه مهم است که به یاد داشته باشیم در زمان عیسی و رسولان و انبیای او، زبان عبری تورات چنین تغییراتی را پشت سر گذاشته بود. اما این حقیقت عیسی یا پیروانش را از برخورد با تورات زمان‌شان به این عنوان که وفادارانه نوشتجات خود موسی را ارائه می‌کند، منصرف نکرد. بنابراین ما امروز به عنوان پیروان مسیح، می‌توانیم مطمئن باشیم که تورات، به شکلی که اکنون در دست ماست، ارائه‌دهنده راستین نوشتجات اصلی موسی است. تا به اینجا، به دیدگاه‌های اوانجلیکال امروزی نگاه کردیم و به برخی از پیش‌فرض‌های مهمی پرداختیم که اوانجلیکال‌ها درباره تورات دارند. و دیدیم که اوانجلیکال‌ها نگرانش این بخش از کتاب مقدس را چطور می‌بینند.

حالا بیایید به برخی از اشکالی دقت کنیم که این دیدگاه‌ها بر راهکارهای تفسیری مورد استفادهٔ اوانجلیکال‌ها تاثیر گذاشته‌اند.

### راهکارهای تفسیری

روش‌های زیادی برای توصیف این راهکارهای تفسیری وجود دارد، اما ما در مورد سه جهت اصلی صحبت می‌کنیم که اوانجلیکال‌ها دنبال کرده‌اند. نخست، آنچه را که ممکن است تفسیر موضوعی بخوانیم در نظر خواهیم گرفت. سپس، به کنکاشی در تفسیر تاریخی می‌پردازیم. و در نهایت، به بررسی تفسیر ادبی خواهیم پرداخت. این سه راهکار بسیار به هم وابسته هستند و هرگز جدا از یکدیگر عمل نمی‌کنند. اما هر کدام تاکیدات متفاوتی دارند و از این رو مفید است که جداگانه به آنها نگاه کنیم. بیایید با تفسیر موضوعی شروع کنیم.

### موضوعی

در تفسیر موضوعی، ما تورات را مانند آینه‌ای در برابر خودمان نگاه می‌داریم تا دربارهٔ موضوعاتی که برای ما مهم است تفکر کنیم. اوانجلیکال‌ها به درستی بر برخی موضوعات یا مضامین در این بخش از کتاب مقدس تاکید کرده‌اند. اما همانطور که خواهیم دید، هر کتاب در تورات اولویت‌های خاص خود را دارد. بنابراین ممکن است خودِ موسی بر این مضامین تاکید کرده یا نکرده باشد. این رویکرد، مشخصهٔ بسیاری از تفسیرهای مسیحی در طول دو هزار سال اخیر بوده است.

فهرست موضوعاتی که مسیحیان بر آنها تاکید کرده‌اند بسیار طولانی است. تاکید برخی بر سوالات شخصی و مباحثات جاری بود. بعضی دیگر از تورات به عنوان پشتیبانی برای دیدگاه‌هایشان در الهیات منتظم سنتی استفاده کردند. برای نمونه، تورات موارد زیادی دربارهٔ خدا آشکار می‌کند. همچنین زمان زیادی را به جنبه‌های مختلف بشریت اختصاص می‌دهد. و توجه زیادی نیز به مابقی آفرینش به طور عمومی نشان می‌دهد.

حال، یکی از ایرادات عمده بر تفسیر موضوعی این است که معمولاً این واقعیت را کوچک می‌شمارد که موضوعات اصلی موسی خطاب به اسرائیلیانی بود که او را به سوی سرزمین وعده دنبال می‌کردند. و چون به این زمینهٔ اصلی توجه چندانی نمی‌شود، تفاسیر موضوعی غالباً کاری جز توجه به مضامین جزئی نمی‌کنند.

با اینحال، باید همیشه به خاطر داشته باشیم که عهد جدید، چنین رویکردی به تورات را تایید می‌کند. وقتی عیسی و نویسندگان عهد جدید به مضامینی مانند مبراشمردگی به ایمان، طلاق، ایمان و عمل، و تعداد دیگری از مضامین نسبتاً جزئی دیگر در این بخش از کتاب مقدس پرداختند، نگاهی به تورات موسی داشتند. بنابراین، مادامی که مراقب باشیم تنها مضامین را در این قسمت‌های کتاب مقدس نخوانیم، تفسیر موضوعی می‌تواند یک رویکرد ارزشمند به تورات باشد.

علاوه بر راهکار تفسیری تفسیر موضوعی، همچنین در بین اوانجلیکال‌ها رایج بوده است که با آنچه می‌توانیم تفسیر تاریخی بخوانیم به کاوش در تورات بپردازند.

## تاریخی

اوانجلیکال‌ها نه تنها باور دارند که مضامین الاهیاتی تورات صحیح هستند، بلکه با پیروی از نمونه عیسی و رسولان و انبیای او، ما همچنین باور داریم که روایات تورات از تاریخ نیز صحیح هستند. به همین دلیل، اوانجلیکال‌ها غالباً تورات را به عنوان ابزاری برای کشف آنچه در گذشته روی داده، تفسیر کرده‌اند.

ما اشاره کردیم که راهکارهای تفسیر موضوعی، تورات را مانند آینه‌ای در برابر ما نگه می‌دارند که مضامین مورد علاقه ما را بازتاب می‌دهد. اما تجزیه و تحلیل تاریخی، با تورات مانند پنجره‌ای رو به تاریخ برخورد می‌کند. گویی به کتاب‌های موسی نگاه می‌کنیم تا تاریخی را که در پشت آنها قرار دارد کشف کنیم.

کتاب پیدایش، تاریخ را از آفرینش تا دوران یوسف دنبال می‌کند. خط اصلی داستانی کتاب خروج، از مرگ یوسف تا زمانی است که اسرائیل با موسی در دامنه کوه سینا اردو زدند. کتاب لایوان به شرح دقیق برخی از شرایع و آیین‌هایی می‌پردازد که موسی در مدت حضورش بر کوه سینا دریافت کرد. کتاب اعداد به ردیابی مهاجرت نسل‌های اول و دوم خروج از کوه سینا به دشت‌های موآب می‌پردازد. و کتاب تثبیه به شرح دقیق سخنان موسی خطاب به اسرائیل در دشت‌های موآب، زمانی که آماده ورود به کنعان بودند، می‌پردازد. اوانجلیکال‌ها در تفسیر تاریخی، بر این جهت‌گیری‌های تاریخی کاملاً آشکار تاکید کرده‌اند.

تفسیر تاریخی اگرچه بسیار ارزشمند بوده است، اما این رویکرد به تورات دارای محدودیت‌هایی هم هست. درست مانند تجزیه و تحلیل موضوعی، تفسیر تاریخی نیز توجه نسبتاً کمی به موسی و مخاطبان اصلی او دارد. در عوض، گرایش به این است که خدا در دوره‌های مختلف زمان، پیش از اینکه کتاب‌های تورات نوشته شوند، چه کاری انجام داده است. خدا با آدم و حوا چه کرد؟ اهمیت سیل نوح در چه بود؟ ابراهیم چگونه با خدا تعامل داشت؟ وقتی اسرائیل از دریای سرخ رد شدند، خدا چه عملی انجام داد؟ همه اینها پیگیری‌های به‌جایی هستند، اما اهمیت موسی به عنوان نویسنده و اسرائیل به عنوان مخاطب را تقلیل می‌دهند.

روشن است که اوانجلیکال‌ها به انواع مختلف از تفسیر موضوعی و تاریخی تورات بهره برده‌اند. اما در دهه‌های اخیر، گرایش سومی نیز به میدان آمده که می‌توانیم آن را تفسیر ادبی بنامیم.

## ادبی

همانطور که دیدیم، تحلیل‌های موضوعی با تورات مانند آینه‌ای رفتار می‌کنند که موضوعات مورد علاقه ما را بازتاب می‌دهد. تحلیل‌های تاریخی با تورات مانند پنجره‌ای به وقایع تاریخی پیش از نگارش اسفار پنجگانه

برخورد می‌کنند. در مقابل، تحلیل‌های ادبی، تورات را مانند یک نقاشی می‌بینند، یک اثر هنری ادبی که طراحی شده است تا مخاطبین اصلی خود را از راه‌هایی خاص، تحت تاثیر قرار بدهد. اساساً تفسیر ادبی به طرح این پرسش می‌پردازد که: چگونه موسی در حین نگارش تورات قصد داشت بر مخاطبین اصلی اسرائیلی خود تاثیر بگذارد؟ می‌توانیم بگوییم که موسی اهداف متعددی داشت. اما خوب است که به توصیف این اهداف به طور کلی بپردازیم. بنابراین، هدف موسی را اینطور توضیح می‌دهیم: به عنوان راهبر منصوب شده از طرف خدا برای اسرائیل،

موسی تورات را نوشت تا اسرائیل را برای خدمت وفادارانه به خدا در حین فتح سرزمین وعده و اقامت در آن آماده کند.

به جای پرداخت انتزاعی به مجموعه‌ای از موضوعات، یا پرداخت به وقایع صرفاً از منظر تاریخی، هر موضوع یا روایت تاریخی در تورات به نوعی برای تحقق این هدف طراحی شده بود. تفسیر ادبی تایید می‌کند که موسی در هنگام تالیف تورات، بین دو دوره تاریخی ایستاده بود. از یک سو موسی درباره چیزی نوشت که شاید آن را «آن جهان» بخوانیم و شامل وقایعی است که در گذشته اتفاق افتادند. وقایع کتاب پیدایش بسیار پیش از زمان موسی رخ دادند. کتاب‌های خروج و لاویان بر وقایع مصادف با نسل اول خروج از مصر تمرکز می‌کنند. کتاب‌های اعداد و تثنیه شامل وقایعی در زمان نسل اول تا روزگار نسل دوم هستند. هنگامی که موسی هر یک از کتاب‌های تورات را نوشت، این زمان‌های مختلف از گذشته را در نظر داشت. از سوی دیگر اما، موسی برای «جهان‌شان» نیز نوشت؛ برای زمان مخاطبین اصلی خود. موسی از گذشته «آن جهان» استفاده کرد تا به مخاطبان خود بیاموزد که چگونه باید در «جهان‌شان» درباره خدمت به خدا فکر، رفتار، و احساس کنند. موسی برای نیل به این هدف، از راه‌هایی درباره «آن جهان» نوشت که آن را به «جهان‌شان» مرتبط کند.

موسی گذشته را از سه طریق عمده به مخاطبین خود مرتبط ساخت. او به آنها گزارشاتی از گذشته داد که زمینه یا ریشه تجربیات کنونی مخاطبانش را مشخص می‌کرد. او همچنین الگوهایی برای پیروی یا رد به آنها داد. و او گزارشات خود را به عنوان پیش‌سایه‌ها یا خلاصه‌ای از جهان مخاطبانش شکل داد.

در بعضی مواقع، موسی این ارتباطات را کاملاً روشن بیان کرد. برای نمونه، در پیدایش ۱۵: ۱۲-۱۶، موسی برای بیرون آوردن مخاطبانش از مصر، به آنها درباره پیشینه وعده خدا گفت. این وعده در زمان آنها تحقق می‌یافت. در پیدایش ۲: ۲۴ موسی توضیح داد که ازدواج آدم و حوا نمونه‌ای برای ازدواج در بین قوم وفادار خدا بود. و در پیدایش ۲۵: ۲۳، موسی نشان داد که گُشتی بین یعقوب و عیسو در رحم مادرشان پیش‌سایه‌ای از کشمکش‌ها بین مخاطبین اصلی اسرائیلی او و ادمیان روزگارشان بود.

ارتباطات صریح بین «آن جهان» و «جهان‌شان»، اینجا و آنجا در تورات به چشم می‌خورند. اما در بیشتر موارد، این ارتباطات، ضمنی بودند. بنابراین، یکی از اصلی‌ترین وظایف تفسیر ادبی این است که تشخیص بدهد موسی چگونه «آن جهان» گذشته را با جهان مخاطبین اصلی خود پیوند داده است.

در طول دو هزار سال اخیر، تفسیر تورات تأکید بسیار بیشتری بر راهکارهای موضوعی و تاریخی داشته است تا تحلیل‌های ادبی. از همین روی، در درس‌های مان درباره کتاب‌های موسی، قسمت بیشتری از زمان مان را به تفسیر ادبی اختصاص خواهیم داد. به کشف این مسئله خواهیم پرداخت که چطور موسی محتوای هر یک از کتاب‌های خود را شکل داد تا پیش‌زمینه‌ها، الگوها، و پیش‌سایه‌هایی برای تجربیات مخاطبین خود ارائه دهد. ما کنکاشی در این باره خواهیم داشت که موسی بر چه نکاتی برای مخاطبان اصلی خود تأکید کرد، چطور محتوای کتاب‌هایش را به زندگی آنها پیوند داد، و چگونه مخاطبین اولیه اسرائیلی خود را به سمت خدمت وفادارانه به خدا در روزگارشان پیش برد.

## نتیجه‌گیری

در این مقدمه بر تورات، برخی از ویژگی‌های اساسی رویکردهای انتقادی امروزی درباره این بخش از کتاب مقدس را بررسی کردیم. دیدیم که چطور پیش‌فرض‌های مفسرین منتقد منجر به دیدگاه‌های خاصی درباره نگارش تورات و انواع خاصی از تفاسیر شده است. همچنین به دیدگاه‌های اوانجلیکال امروزی نگاه کردیم و دیدیم که چطور پیش‌فرض‌های اوانجلیکال‌های امروزی منجر به دیدگاه‌های بسیار متفاوتی درباره تالیف و تفسیر شده است.

در حالی که به کاوش خود در تورات ادامه می‌دهیم، خواهیم دید که این نکات مقدماتی بارها به میدان می‌آیند، و وقتی چنین می‌شود، خودمان را برای پرداختن به این قسمت از کتاب مقدس مجهزتر می‌یابیم. در طی این مسیر، سوالاتی از این دست را در نظر خواهیم گرفت: چرا موسی هر یک از کتاب‌های تورات را نوشت؟ اهداف اولیه این کتاب‌ها چه بودند؟ مفاهیم تورات برای مخاطبین اولیه موسی چه بود؟ با پاسخ به چنین پرسش‌هایی، جهت‌گیری‌های اساسی در مورد منظور اصلی موسی را کشف خواهیم کرد. و نه تنها خواهیم دید که چطور پنج کتاب نخست کتاب مقدس به عنوان اولین معیار ایمان اسرائیل در روزگار موسی به ایفای نقش پرداختند، بلکه همچنین به کشف این مسئله می‌پردازیم که چطور این کتاب‌ها باید امروز که ما از مسیح پیروی می‌کنیم، معیار ایمان مان باشند.